

متن پرسش

چه شده که رهبری معظم در نامه های خویش به جوانان در گوشه گوشه ی جهان به جای رجوع به ابن عربی و... به عنوان تنها راه نیل به اسلام ناب، به متون اصلی و غیر قابل انکار قرآن و مسلمات حدیثی رجوع می‌دهند؟ خدا با اسم دیگری به میان آمده؟ اگر آقا جوانان غربی را به نصوص قطعی اسلامی و غیر قابل انکار و مورد اجماع اسلامی رجوع می‌دهند، چرا شاگردان شما فهم آن نصوص را مشروط به اندیشیدنی همچون ابن عربی می‌دانند؟ کسی که یکبار قرآن و احادیث مسلم اسلامی را مطالعه کند می‌تواند همچون ابن عربی عذاب را گوارایی و شیرینی ترجمه کند؟ ۲. تحلیلتان از خاطره ی رهبری از ماجرای افسوس مرحوم امام (ره) در اواخر عمر بخاطر عدم درک محضر میرزا جوادآقا تبریزی به جهت عدم پسند بودن، بخاطر پر بودن ذهنشان از عرفان نظری چیست؟ ۳. بنده شب‌ها اشعاری بر دلم می‌آید که خود متوجهم از جایی دیگر ست، برخی چیزهایش هم خلاف حرف های متکلمین شیعه ست، قصد دارم این اشعار را نوشته و در مقدمه اش بیان کنم این اشعار را لا یمسهه الا المطهرون... سپس نوشته ها را در بین الحرمین چال کنم تا هرجایش باطل است سوسک های عربی آن را بخورد. نظر مبارکتان چیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بالاخره قرآن راهی است که با تدبّر در آن ممکن است بعضی از انسانها بتوانند به معارفی دست یابند که امثال ابن عربی به آن رسیده‌اند به همان معنایی که حضرت امام خمینی در آخر عمر در نامه به گورباچف متذکر آن معارف شدند که از مو باریک‌تر است. دیگر قسمت‌های سؤالتان را باید خودتان فکر کنید. قسمت آخر سؤال، کار عامیانه‌ای است. موفق باشید